

انواع خانواده از منظر قرآن کریم

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

خانواده سنگ بنای جامعه و تنها نهادی است که از ابتدای تاریخ تا کنون به عنوان اصلی ترین نهاد اجتماعی، خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، خانواده را نهاد مقدس و مرکز هستی تمدن، موفقیت‌ها و کانون تربیت می‌شمارد. بر این اساس تشکیل «خانواده مطلوب» خاستگاه جوامع انسانی، انبیا و اولیاست. خانواده مطلوب، خانواده‌ای است که واجد مؤلفه‌هایی مانند معنویت، محبت و ایثار بوده و اعضای آن را والدین شایسته و فرزندان صالح تشکیل دهد، این در حالی است که اعضای خانواده نامطلوب را والدین ناشایست و فرزندان ناصالح تشکیل می‌دهد. از این رو انبیا از خداوند درخواست میکردند که همسران شایسته و نسلی پاک به آنها عنایت فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا؛^۱ و آنان که می‌گویند پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوش‌دلی و خوشحالی بخش، و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده».

متأسفانه عصر حاضر، عصر بحران خانواده است، از این رو بررسی اقسام خانواده از منظر قرآن بایسته است. قرآن - ضمن بیان اقسام خانواده - به تبیین «خانواده مطلوب» و «خانواده نامطلوب» می‌پردازد تا انسان‌ها خانواده مطلوب را الگو و از تشکیل خانواده ناموفق و چالش‌زا پرهیز نمایند.

انواع خانواده در قرآن

خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی، اقسام مختلفی دارد، مانند خانواده هسته‌ای، که شامل والدین

* نویسنده و پژوهشگر.

و فرزندان است و معمولاً در یک خانه زندگی می‌کنند. خانواده گسترده، شامل چندین نسل از اعضای یک خانواده هستند که ممکن است در یک واحد مسکونی زندگی کنند. همچنین خانواده موفق؛ خانواده ناموفق؛ خانواده مطلوب؛ خانواده نامطلوب؛ خانواده سالم و خانواده ناسالم.

گرچه در قرآن به گونه‌ای صریح و شفاف برای خانواده تقسیم‌بندی صورت نگرفته است، اما با در نظر گرفتن برخی مؤلفه‌ها، انواع خانواده در قرآن قابل شناسایی است. گفتنی است خانواده در قرآن با واژگانی مانند: «آل»، «اهل» و «عشیره» گزارش شده است. واژه «آل» مانند: «فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ»^۱ مراد از آن خاندانی بسیار گسترده، شامل همه فرزندان و نسل ابراهیم علیه السلام، است. واژه «اهل» مانند: «فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا»^۲ و واژه «عشیره» مانند: «وَ أَنْزِلْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۳ با توجه به آموزه‌های قرآنی - به یک اعتبار - چهار نوع خانواده در قرآن قابل شناسایی است.

۱. خانواده امام علی علیه السلام

در قرآن از خانواده امام علی علیه السلام به عنوان خانواده الگو یاد شده است. خانواده‌ای که آیه تطهیر^۴، آیه مودت^۵، و آیه مباهله^۶ درباره آنان نازل شده است که حاکی از جایگاه بلند اعضای آن است. پدر این خانواده امام علی علیه السلام است. امامی که رسول اعظم صلی الله علیه و آله درباره ایشان فرمود: «ای علی! خدا را به حق معرفت کسی جز من و تو شناخت. و تو را به حق معرفت، جز خدا و من شناخت»^۷. مادر این خانواده حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که قرآن او را خیر کثیر می‌خواند: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوثَرَ»^۸ و رسول خدا صلی الله علیه و آله از حضرت به عنوان ام‌اینها یاد، و درباره ایشان فرمود: «أَنَّ اللَّهَ يَعْصِبُ

۱. نساء: ۵۴: «ما به آل ابراهیم، (که یهود از خاندان او هستند نیز)، کتاب و حکمت دادیم» ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۹۵.
۲. قصص: ۲۹: «پس هنگامی که حضرت موسی مدّت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد از جانب طور آتشی دید به خانواده‌اش گفت درنگ کنید من آتشی دید.»
۳. احزاب: ۳۳: «و خویشاوندان نزدیکت را انداز کن.»
۴. احزاب: ۳۳.
۵. شورا: ۲۳.
۶. آل عمران: ۶۱.
۷. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۸۴.
۸. کوثر: ۱.

لِعَصْبِ فَاطِمَةَ وَبِرِّصَى لِرِضَاها»^۱. فرزندان این خانواده امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند که رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را سروران جوانان بهشت دانست: «وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»^۲.

در تفسیر نمونه جریان این خانواده چنین گزارش شده است: ابن عباس می گوید حسن و حسین علیهما السلام بیمار شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی علیه السلام گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نداری برای شفای فرزندان خود می کردی، علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه که خادمه آنها بود، نذر کردند که اگر آندو شفا یابند سه روز روزه بگیرند. چیزی نگذشت که هر دو شفا یافتند. درحالی که خانواده، از نظر مواد غذایی دست خالی بودند، علی علیه السلام سه من جو قرض نمود، و فاطمه علیها السلام یک سوم آن را آرد کرد، و نان پخت، هنگام افطار سائلی در خانه آمد و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد! مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من بدهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند؛ آنها همگی سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند. روز دوم را نیز روزه گرفتند و موقع افطار وقتی که غذا را آماده کرده بودند، یتیمی در خانه آمد آن روز نیز غذای خود را به او دادند. در سومین روز اسیری به هنگام غروب آفتاب در خانه آمد باز سهم غذای خود را به او دادند. هنگامی که صبح شد علی علیه السلام دست حسن علیه السلام و حسین علیهما السلام را گرفت و خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند؛ هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را دید، مشاهده کرد از شدت گرسنگی می لرزند! فرمود! این حالی را که در شما می بینم برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنها به خانه فاطمه سلام الله علیها وارد شدند. فاطمه در محراب عبادت ایستاده بود در حالی که گرسنه بود، پیامبر صلی الله علیه و آله ناراحت شد. در همین هنگام جبرئیل نازل شد و گفت ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند بخاطر چنین خاندانی به تو تهنیت می گوید، سپس سوره "هل اتی" را بر او خواند. برخی از مفسران گفته اند که از آیه "أَنَّ الْأَثَرَارَ" تا آیه "كَانَ سَعِيكُمْ مَشْكُورًا" که مجموعاً هیجده آیه است، در این موقع نازل شد.^۳

ویژگی های خانواده امام علی علیه السلام

با توجه به مطالب گزارش شده می توان به چند ویژگی برای خانواده امام علی علیه السلام اشاره نمود:

۱. شیخ صدوق، الامالی، ص ۳۸۴.
۲. همو، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.
۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۵، ص ۳۴۳؛ ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۱۲۱؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۶۱۴.

الف) معنویت

یکی از شاخصه‌های خانواده امام علی علیه السلام معنویت است، معنویت به زندگی انسان معنا می‌بخشد و بر طرف‌کننده نارسایی‌ها در نظام خانواده و اجتماع است. در فضای معنوی، اعضای خانواده خداوند را ناظر بر رفتار و گفتارشان می‌دانند، از این رو، فضایل دینی و اخلاقی در رأس مسائل خانواده قرار می‌گیرد. این همان ویژگی است که در خانواده امام علی علیه السلام جایگاه ویژه داشت. بر این اساس بایسته است خانواده‌ها، خانواده امام علی علیه السلام را الگوی خود قرار دهند تا محیط معنوی داشته باشند و فرزندان‌شان با آموزه‌های قرآنی تربیت شود.

همسر شهید مصطفی چمران درباره اوج بندگی‌اش در محیط خانه می‌گوید: خیلی دوست داشتم در نمازهای واجب به او اقتدا کنم، اما مصطفی می‌گفت: «تو نمازت را بخوان. پشت سر من نماز بخوانی، نمازت خراب می‌شود»؛ اما من نمازهایم را پشت سر مصطفی می‌خواندم. نمازش که تمام می‌شد، به سجده می‌رفت و صورتش را به خاک می‌مالید و گریه می‌کرد. خیلی سجده‌هایش طولانی می‌شد. هر شب از نیمه‌های شب تا اذان صبح، به نماز شب و تهجد مشغول بود. گاهی که دلم طاقت نمی‌آورد و به او می‌گفتم: «بس است دیگر؛ کمی استراحت کن»؛ در جواب می‌گفت: «تاجر اگر از اصل سرمایه‌اش خرج کند، ورشکست می‌شود. باید سود به دست آورد تا زندگی‌اش بگذرد. ما هم اگر قرار باشد نماز شب نخوانیم، ورشکست می‌شویم».^۱

شهید مطهری به یکی از فرزندان خود نوشت: «حتی الامکان از تلاوت روزی یک حزب قرآن که فقط پنج دقیقه طول می‌کشد، مضایقه نکن و ثوابش را هدیه روح مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بنما که موجب برکت عمر و موفقیت است انشاء الله»^۲. مادر آیت‌الله بهشتی نیز می‌گوید: «در دوران بارداری فرزندم، روزی یک جزء قرآن می‌خواندم و این قرائت قرآن احساس آرامش [خاصی] به من می‌داد. در موقع شیر دادن هم روبه‌قبله می‌نشستم و با وضو به او شیر می‌دادم و احساس می‌کردم هر وقت ناراحتی می‌کرد، موقع قرآن خواندن آرامش خاصی پیدا می‌کرد و به تلاوت من گوش می‌داد»^۳.

۱. رضا آبیاری، همسران زمینی، سرداران آسمانی، ص ۲۰.

۲. <https://www.balagh.ir/content/16274>

۳. <https://www.balagh.ir/content/16274>

ب) ایثار و انفاق

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «و يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا»^۱ و غذای خود را با علاقه (و نیاز) به آن و از روی محبت خدا، به فقیر و یتیم و اسیر انفاق می‌کنند. «ایثار به معنای فدا نمودن خواسته‌ها و نیازهای شخصی به نفع دیگران است: «و يُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»^۲؛ ایثار در خانواده، شامل کارهایی مانند پذیرش مسئولیت‌های بیشتر، فدا کردن زمان و انرژی برای دیگران و حمایت از یکدیگر در سختی‌ها می‌باشد، همچنین ایثار می‌تواند روابط را تقویت کند. زمانی که اعضای خانواده برای یکدیگر فداکاری می‌کنند، اعتماد و محبت میان آن‌ها افزایش می‌یابد. ضمن اینکه فدای خود برای دیگری نشان‌دهنده همدلی و محبت است.

ج) اخلاص

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكْرًا»^۳؛ (و می‌گویند: ما شما را بخاطر خدا اطعام می‌کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم!)

اخلاص به معنای صداقت، صمیمیت و نیت خالص در رفتار و تعاملات با دیگران است. اخلاص باعث ایجاد اعتماد در میان اعضای خانواده می‌شود. هنگامی که افراد به یکدیگر صداقت نشان دهند، احساس امنیت و آرامش بیشتری خواهند داشت. بیشتر ناراحتی‌ها در خانواده‌ها از یکدیگر، ناشی از انتظار داشتن از طرف مقابل در خانواده است. اما با وارد شدن عشق الهی در زندگی، تمام کارها رنگ الهی به خود می‌گیرد. با شناخت خداوند، انسان عاشق او می‌شود و جز او کسی را نمی‌بیند، پس با تمام وجود شاد است و هیچ یک از غم‌های ظاهری دنیا حتی بی‌مهری طرف مقابل او را عذاب نخواهد داد.^۴

ج) وفای به نذر و خوف از معاد

خداوند در توصیف خانواده علی علیه السلام فرمود: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ

۱. انسان: ۸.

۲. حشر: ۹؛ «و آنها را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند.»

۳. انسان: ۹.

4. <https://rasekhoon.net/article/show/202369>

مُسْتَطِيرًا؛^۱ آنها به نذر خود وفا می‌کنند، و از روزی که شرّ و عذابش گسترده است می‌ترسند.»
معاد باوری به انسان امید، انگیزه و مسئولیت می‌دهد و او را ترغیب می‌کند تا به اعمال نیکورفتار اخلاقی توجه کند. معاد باوری می‌تواند به تربیت نسل‌های آگاه و مسئولیت‌پذیر در خانواده کمک کند، این باور به آن‌ها کمک می‌کند تا با مشکلات زندگی بهتر کنار بیایند.

۲. خانواده ابو لهب

یکی از خانواده‌های ناموفق که قرآن بدان اشاره نموده است، خانواده ابو لهب است. خانواده‌ای که اعضای آن را انسان‌های ناصالح و دشمنان اسلام تشکیل می‌دهد، چنانچه پدر خانواده «ابو لهب» عموی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است.^۲ او یکی از نخستین افرادی بود که در برابر دعوت پیامبر اسلام ایستاد و به آزار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرداخت و از دشمنان اسلام بود، همچنین، «ام جمیل» همسر ابو لهب - خواهر ابوسفیان - مادر خانواده است که از دشمنان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. سوره "مسد" در ابو لهب و همسرش نازل شده است: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ سَيِّئَلِي نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ»^۳ بریده باد هر دود است ابو لهب (و مرگ بر او باد.) هرگز مال و ثروت او و آنچه را به دست آورد به حالش سودی نبخشید. و به زودی وارد آتشی می‌شود که دارای شعله فروزان است. و همچنین همسرش درحالی که هیزم به دوش می‌کشد، و در گردنش طنابی از لیف خرما است.»^۴

۳. خانواده فرعون

قرآن از خانواده دیگر به نام خانواده فرعون یاد می‌کند. خانواده‌ای که مدیریت آن را فرعون بر عهده دارد. همان فرعونی که قرآن، او را پادشاهی مستبد و جبار معرفی می‌کند و او مدعی پروردگار مردم مصر است: «أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَىٰ»^۵؛ او قوم بنی اسرائیل را که پیش از این در زمان پیامبری یوسف علیه السلام در مصر ساکن شده بودند، به خدمت گرفت و با انگیزه پیشگیری از ولادت

۱. انسان: ۷.

۲. محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

۳. مسد: ۱-۵؛ ر.ک: محمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۸۴.

۴. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۱۵.

۵. نازعات: ۲۴.

موسی دستور داد فرزندان پسر بنی اسرائیل را در هنگام تولد به قتل برسانند؛^۱ اما در این میان، همسر او آسیه زنی پرهیزکار، با عفت و مومن است. گرچه نام آسیه در قرآن نیامده است، اما مفسران منظور از: «امْرَأَةٌ فِزْعُونَ»،^۲ را که دو بار در قرآن آمده، آسیه دانسته‌اند. او زن نام‌آوری است که در دفاع از دین خدا، پیامبر الهی و مبارزه با ظلم فرعون در تاریخ ضرب‌المثل شده است، چنانکه او در سخت‌ترین شرایط و در مرکز کفر بر عقاید توحیدی سخت پافشاری و از جان خود گذشت و به شهادت رسید.^۳ از این رو، قرآن که از او، در برابر همسر نوح و همسر لوط -که با وجود معاشرت با پیامبران، به خدا کفر می‌ورزیدند-، به نیکی و الگوی موفق یاد می‌نماید: «وَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عُنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَ نَجِّنِي مِّنْ فِرْعَوْنَ وَ عَمَلِهِ وَ نَجِّنِي مِّنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛^۴ و خداوند برای مؤمنان، به همسر فرعون مثل زده است، در آن هنگام که گفت: «پروردگارا! خانه‌ای برای من نزد خودت در بهشت بساز، و مرا از فرعون و کار او نجات ده و مرا از گروه ستمگران رهایی بخش.

۴. خانواده نوح عليه السلام

قرآن از خانواده نوح و لوط عليهما السلام به عنوان دو خانواده چالش زا یاد می‌نماید. خانواده نوح خانواده‌ای است که مدیر آن حضرت نوح عليه السلام است که از پیامبران اولوالعزم به شمار می‌رود و خداوند او را با کتاب فرستاده است تا مردم را به سوی خدا دعوت کند؛ اما در سوی دیگر، زن نوح قرار دارد که انسان ناشایسته‌ای است، زیرا او در برابر دعوت نوح به خدا مقاومت کرد و کافر شد. از این رو، خداوند او را الگوی کافران معرفی نمود: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ»؛^۵ همچنین خداوند همسر نوح را و همسر لوط را خیانت‌کار دانست: «صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِّنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا»؛^۶ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند.

۱. بقره: ۴۹.

۲. تحریم: ۱۱.

۳. احمد بهشتی، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، ص ۴۴.

۴. تحریم: ۱۱.

۵. تحریم: ۱۱.

۶. تحریم: ۱۰.

در خانواده نوح فرزندی ناصالحی نیز حضور دارد. او کسی است که به نوح ایمان نیاورد و به دلیل دوستی و هم‌نشینی با کفار و افراد فاسد، در زمره کافران و بدکاران قرار گرفت. خداوند طی آیات ۴۵-۴۷ در سوره هود به این جریان اشاره می‌نماید.

چالش‌ها و درس‌های خانواده نوح علیه السلام

۱. آسیب‌پذیری خانواده

خانواده نوح نمونه‌ای از چالش‌های خانوادگی است که در آن مشکلات و نافرمانی‌ها وجود داشته است. این داستان به ما می‌آموزد که حتی پیامبران نیز در خانواده‌های خود با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. از میان فرزندان انبیا علیهم السلام، علاوه بر فرزند نوح علیه السلام، می‌توان به قابیل فرزند آدم علیه السلام، اشاره نمود. قابیل کسی بود که برادرش هابیل را به قتل رساند،^۱ همچنین فرزندان یعقوب علیه السلام برادر خود، یوسف علیه السلام را به چاه انداختند. البته بعدها از کرده خود توبه کردند.^۲ در بین فرزندان اهل بیت علیهم السلام، عبدالله افصح، فرزند امام صادق علیه السلام است که انحراف عقیدتی داشت و ادعای امامت کرد.^۳ براین اساس داستان خانواده نوح به ما می‌آموزد که ایمان و نیکی در خانواده یک امر جمعی است و هر عضو خانواده باید در راه حق و درستی حرکت کند.

۲. تاثیرگزاری دوستان ناباب

گرچه در بدبختی فرزند نوح علیه السلام عوامل دیگری نیز نقش داشت، اما آنچه فرزند نوح را دچار آسیب کرد دوستان ناباب بود. هم‌نشینی با دوستان با ایمان موجب رشد شخصیت انسان و تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در نوجوانان می‌گردد. از سوی دیگر، دوستی با افراد فرومایه - که معمولاً به انحراف‌های اخلاقی آلوده‌اند - یکی از زمینه‌های انحراف نوجوان است. دوستان منحرف و بی‌بند و بار سعی دارند تجربه‌های راست یا دروغ خود یا دیگران را درباره مسائل جنسی و انحراف اخلاقی را، برای نوجوانان و جوانان پاک تعریف کنند و آنان را به سمت ناهنجاری‌ها سوق دهند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره ویژگی‌های افرادی که سزاوار رفاقت و هم‌نشینی هستند می‌فرمایند: «حواریون به عیسی گفتند: ای روح خدا! با چه کسی مجالست کنیم؟ مسیح

۱. مائده: ۳۰.

۲. یوسف: ۹۷.

۳. علی بن الحسین مسعودی، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ص ۱۹۸.

فرمود: باکسی که دیدارش شما را به یاد خدا بیندازد، و سخن گفتنش بر علم شما بیفزاید و عمل او شما را نسبت به آخرت راغب سازد». ^۱ علی علیه السلام می فرماید: «لَا تَصْحَبِ الشَّرِيرَ فَإِنَّ طَبْعَكَ يَسْرِقُ مِنْ طَبْعِهِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ»؛ ^۲ از هم نشینی و دوستی با افراد شرور و آلوده پرهیز؛ زیرا طبیعت و شخصیت تو به طور ناخواسته تحت تأثیر بدی و ناپاکی طبع ایشان قرار می گیرد و صفات آلوده شان بر تو اثر می گذارد.

با بدان کم نشین که بد مانی
خوپذیر است نفس انسانی ^۳

۳. عاطفه پدری به فرزند

فرزند نوح، نصیحت و اندرز پدر را نشنید و تا آخرین نفس دست از لجاجت و خیره سری برداشت و سرانجام در میان امواج طوفان گرفتار و غرق شد. وقتی نوح فرزند خود را در میان امواج دید، عاطفه پدری به جوش آمد و به یاد وعده الهی درباره نجات فرزندش افتاد، رو به درگاه خدا کرد و گفت: «و نادى نوحُ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ»؛ ^۴ پروردگارا! فرزندم از اهل من و خاندان من است، و تو وعده فرمودی که خاندان مرا از طوفان و هلاکت رهایی بخشی، و تو از همه حکم کنندگان برتری، و در وفای به عهد از همه ثابت تری. اما بلافاصله پاسخ شنید؛ پاسخی تکان دهنده و روشنگر از یک واقعیت بزرگ واقعیتی که پیوند مکتبی را مافوق پیوند نسبی و خویشاوندی قرار می دهد. ای نوح! او از اهل تو نیست! بلکه او عملی است غیر صالح «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»؛ ^۵ فرمود: «ای نوح! او از اهل تو نیست! او عمل غیر صالحی است [= فرد ناشایسته ای است]! پس، آنچه را از آن آگاه نیستی، از من مخواه! من به تو اندرز می دهم تا از جاهلان نباشی!!»

۳. سرنوشت ستمگران خانواده

اگر خانواده بر مسیر حق حرکت نکند سرنوشت بدی را پیشرو دارد، زیرا این سنت الهی است و سنت الهی استثنا پذیر نیست، از این رو فرزند و همسر نوح در دریا غرق شدند: «وَأَصْنَعُ الْفُلْكَ

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۹.

۲. عبدالحمید ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص ۲۷۲.

۳. <https://ganjoor.net/sanae/hadighe/hdgh07/sh28>

۴. هود: ۴۵.

۵. هود: ۴۶.

بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِقُونَ؛^۱ و با نظارت ما و [بر اساس] وحی ما کشتی را بساز، و با من درباره کسانی که ستم کرده‌اند، سخن مگو که یقیناً آنان غرق شدنی هستند.)

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغة، مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب عليه السلام، قم: علامه، اول، ۱۳۷۹ق.
۴. اشتهازدی، محمد مهدی، زنان مردآفرین تاریخ، تهران: نبوی، ۱۳۷۶ ش.
۵. بهشتی، احمد، درس‌هایی از زندگانی زنان نامدار در قرآن و حدیث و تاریخ، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، مصحح: رسولی، هاشم، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ق.
۷. دوانی، علی، زن در قرآن، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۸. سبزواری، محمد، ارشاد الادهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعارف للمطبوعات، اول، ۱۴۱۹ق.
۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۲، ۱۳۹۰ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مصحح: یزدی طباطبایی، فضل‌الله، تهران: ناصر خسرو، سوم، ۱۳۷۲ ش.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، بیروت: دار احیاء التراث العربی، سوم، ۱۴۲۰ق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: غفاری علی اکبر، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، دهم، ۱۳۷۱ ش.